



به نام خداوند جان آفرین حکیم سمن در زبان آفرین



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان‌شناسی

رساله دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی

تحلیل کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان:

رویکردی پیکره‌ای - شناختی به آموزش واژگان

استاد راهنما:

دکتر سید مصطفی عاصی

استادان مشاور:

دکتر آرزینا افراشی

دکتر امیررضا وکیلی‌فرد

پژوهشگر:

کیومرث جهانگردی

تابستان ۱۳۹۵

سپاسگزاری

اجرا و نگارش این رساله که بیش از سه سال به طول انجامید، قبل از هرچیز حاصل آموزه‌های اساتید بزرگی است که آشنایی و افتخار شاگردی آنها نقطه عطف زندگی نگارنده محسوب می‌شود و بی‌تردید اگر موضوع قابل و ارزنده‌ای در این پژوهش وجود داشته باشد، سهم پژوهشگر در مقابل دانش و تجربه این بزرگان بسیار اندک است. درعین حال، کاستی‌ها و اشتباه‌های آن متوجه کسی نیست، جز پژوهشگر که با همه توان و تلاش سعی بر آن دارد تا همچون رودی آرام با عبور از موانعی که در مسیر سنگلاخ زندگی وجود دارد، راه به دریا باز کند. پژوهشگر خود را مرهون این اساتید می‌داند و از تک‌تک آنان که در طول تحصیل از راهنمایی، دانش و تجارب ارزشمندشان برخوردار گشت، سپاسگزاری می‌نماید:

از استاد فرزانه‌ام آقای دکتر مصطفی عاصی که تازه‌ترین زمینه‌های علم زبان‌شناسی را پیش‌رویم نهادند و در طول تحصیل و نگارش این پژوهش، در مقام استاد راهنما از هیچ محبت و کمکی به من دریغ نکردند و همچون همیشه حامی و پشتیبانم بودند، قدردانی می‌کنم. سخاوت علمی، اخلاق نیکو و بزرگواری ایشان زبان‌زد همه دانشجویان است. گاهی صرفاً با یک جمله ساده و پرمغز مبتنی بر تجارب و دانش ژرف خود، بزرگ‌ترین کمک‌ها را در یافتن راه حل‌های لازم به پژوهشگر ارائه می‌کرد و گاهی با صرف وقت و امکانات پژوهشی، علمی، تجربی و مطالعاتی خود که حاصل یک عمر تلاش کم‌نظیرشان می‌باشد، زمینه لازم برای شکل‌گیری این رساله را فراهم آوردند. امیدوارم که گزارش پژوهش که در قالب این رساله تنظیم شده است، رضایت خاطرشان را فراهم آورده باشد.

استادان گرانقدر خانم دکتر آریتا افراشی و آقای دکتر امیرضا وکیلی فرد مسئولیت استاد مشاور رساله را بر عهده داشتند. محتوای بخش شناختی رساله، بیش از همه حاصل زحمات خانم دکتر افراشی در درس معنی‌شناسی و سایر دروس دوره دکتری زبان‌شناسی پژوهشگاه است. وی در این درس‌ها و نیز در جلساتی که با پژوهشگر برگزار کردند، در عین تواضع در تلاش بودند مانند یک پژوهشگر و حتی یک دوست دانش‌پژوه در کنار شاگردان خود بستری برای دستیابی به دانش و پژوهش فراهم آورند. مراتب سپاس و قدردانی صمیمانه خود را تقدیم ایشان کرده، برایشان آرزوی تندرستی و پیروزی دائمی در مسیر علم و زندگی را دارم. از آقای دکتر وکیلی فرد که زمینه ورودم به حوزه آموزش زبان را به شکل‌های مختلف فراهم کردند، بی‌نهایت تشکر می‌کنم. وی امکان تدریس پژوهشگر در کلاس‌های مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، با حضور زبان‌آموزانی از کشورهای مختلف را فراهم ساخت. همچنین امکان تهیه موارد و منابع لازم و نیز همکاری چندساله پژوهشگر با پژوهش‌نامه علمی - پژوهشی آموزش زبان فارسی را میسر کردند، به این ترتیب از آخرین یافته‌های پژوهشی حوزه آموزش زبان مطلع می‌شدم.

همواره سرمست کلاس‌های استاد عزیز و فرهیخته‌ام آقای دکتر یحیی مدرسی تهرانی هستم. بی‌شک اگر در روش تحقیق چیزی آموخته باشم همه را از ایشان دارم. فراگیری روش تحقیق، انجام کارهای پژوهشی و اصولاً چگونگی تحصیل علم و درس مایه مباهات هر کسی است که افتخار شاگردی ایشان را پیدا می‌کند. برای این رساله نیز در جلساتی که خدمت‌شان بودم و از همه مهم‌تر در جلسه دفاع از طرح‌نامه پژوهش، با صرف وقت و انرژی فراوان موضوع را از نظر گذراندند و پیشنهادهای بسیار ارزنده‌ای ارائه کردند که از ابتدا مسیر و فرایند انجام پژوهش و امکان دستیابی به نتایج مطلوب را برای پژوهشگر فراهم ساخت. صمیمانه سپاسگزارشان هستم و برایشان آرزوی تندرستی و بهروزی می‌کنم. همچنین از استاد عزیزم جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم که با افتخار می‌توان گفت در مرز دانش زبان‌شناسی قرار دارند، تشکر و قدردانی می‌کنم. رد آموزه‌های ایشان در جای‌جای این پژوهش دیده می‌شود.

یاد استاد گرانقدر شادروان دکتر علی محمد حق شناس، به‌ویژه در درس‌های معنی‌شناسی و زبان‌شناسی و ادبیات، در نزد این پژوهشگر و همهٔ زبان‌شناسان و دانشجویان کشور همیشه زنده است. از دیگر استادان عزیزم خانم‌ها دکتر زهره زرشناس، دکتر ایران کلباسی و دکتر شهین نعمت‌زاده و آقایان دکتر یدالله ثمره، دکتر احمد صفارمقدم، دکتر محسن ابولقاسمی، دکتر ارسلان گلفام، دکتر محمد پاکتچی، دکتر فرزانه سجودی و دکتر فرهاد ساسانی تشکر می‌کنم. دوستان خوبم آقایان دکتر احد نویدی، دکتر مهدی دستجردی و دکتر احمد رضانی نیز کمک‌ها و ایده‌های خوبی به من دادند که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌کنم. جناب آقای دکتر مسعود قیومی، در ایجاد پیکرهٔ مینا، وقت و انرژی فراوانی معطوف داشتند که جا دارد از ایشان تشکر کنم. استادان گرامی خانم دکتر شهین نعمت‌زاده، آقایان دکتر احمد صفارمقدم و دکتر سید محمد حسینی معصوم زحمت مطالعه و داوری این پایان‌نامه را پذیرفتند، که جا دارد از ایشان تشکر نمایم. لازم می‌دانم سپاس بی‌پایان خود را تقدیم دوستان خوبم دکتر شهرام مدرس خیابانی و علی عربانی‌دانا نمایم که بارها دربارهٔ رساله و موضوع آن با آنها بحث و تبادل نظر کردم و ایده‌های خوبی از این بحث‌ها گرفتم و همواره مشوقم بودند تا با جدیت کار را دنبال کنم. از همهٔ هم‌کلاسی‌ها، دانشجویان و دوستانم در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سایر دانشگاه‌های کشور، به‌ویژه دوست خوبم آقای مرتضی طاهری که برخی از منابع مورد نیازم را در فرصت مطالعاتی خود در هلند برایم ارسال کرد، تشکر نموده و برای همهٔ آنها آرزوی موفقیت و تندرستی می‌نمایم. به‌طور حتم همهٔ آنها سهم مهمی در آموخته‌هایم دارند.

پژوهشگر مراتب سپاس و قدردانی قلبی و بی‌پایان خود را تقدیم آقای دکتر مایک اسکات (Mike Scott)، پژوهشگر مدعو دانشگاه استون (Visiting Research Fellow at Aston University) می‌نماید. در زمانی که به‌علت تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران امکان خرید و استفادهٔ کامل از نرم‌افزار ورداسمیت (Wordsmith) در اختیار پژوهشگران داخل کشور وجود نداشت، ایشان سخاوتمندانه و به‌صورت رایگان با هماهنگی‌هایی که انجام داد این امکان را برای پژوهشگر فراهم آورد. لازم به ذکر است که نسخهٔ 7 این نرم‌افزار در تحلیل داده‌های زبان فارسی با مشکلات جدی مواجه بود. خوشبختانه با گفت‌وگوها و مکاتبات متعدد پژوهشگر و دکتر اسکات، ویژگی‌های زبانی و نوشتاری زبان فارسی، طی ساعاتی از چند روز متوالی برای ایشان تشریح شد تا امکان مرتفع شدن این مشکلات فراهم گردد. همهٔ این‌ها زمینهٔ انتشار نسخه‌های جدید (7.0.0.11 و 7.0.0.12) این نرم‌افزار را فراهم آورد که خوشبختانه با زبان فارسی سازگاری پیدا کرد. این پژوهشگر بسیار خرسند است که در انتشار این نسخهٔ جدید و خدمت به انجام پژوهش‌های دقیق بر روی زبان فارسی نقش کوچکی ایفا کرد. پژوهشگر لازم می‌داند مراتب سپاس و قدردانی خود را نسبت به سرکار خانم دکتر سیده فاطمه رسولی، مؤلف محترم مجموعهٔ آموزش زبان فارسی جامعه‌الزهره و همچنین جناب آقای یوسفی که مسئولیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی این اثر را بر عهده داشتند، اعلام نماید. علاوه‌براین لازم است از خانم‌ها سونیا ذوالقدر و صادقین و آقای مجتبی احمدی، مدیرعامل محترم مؤسسهٔ فرهنگی و انتشاراتی ایماژ که زحمت حروف‌نگاری مجدد برخی از کتاب‌های مورد بررسی را پذیرفتند، تشکر و قدردانی شود.

در پایان و بیش از همه لازم می‌دانم از پدر و مادر و به‌ویژه همسرم تشکر کنم. همچون همیشه مرهون زحمات و بردباریشان هستم که مشکلات و سختی‌های تحصیلی مرا پذیرفته و یاور همیشگی‌ام بوده و هستند.

برای پدر، مادر

همسر و کیاراد عزیزم

چکیده

در این پژوهش با هدف بررسی وضعیت آموزش واژگان در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و طرح این پرسش که این کتاب‌ها تا چه اندازه نیازهای واژگانی زبان‌آموزان را مرتفع می‌کنند، محتوای آموزشی کتاب‌های ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷)؛ صفارمقدم (۱۳۸۶)؛ و رسولی/جامعه‌الزهرها (۱۳۹۱)، به‌عنوان نماینده کتاب‌های مورد استفاده در مراکز آموزشی داخل ایران با رویکردی پیکره‌ای - شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. به این ترتیب که از هر کتاب یک پیکره زبانی ایجاد شد و هر کدام از این پیکره‌ها، به‌لحاظ واژگانی با پیکره متوازی که خود آن در این پژوهش به‌عنوان یک پیکره مینا از برگزیده‌ای از متون گفتاری و نوشتاری فارسی طراحی و ایجاد شد، مورد مقایسه قرار گرفت. تلاش شد نیاز واژگانی بر اساس ۵ مؤلفه 'میزان هم‌پوشانی پُربسامدترین واژه‌ها با واژه‌های پُربسامد پیکره مینا'، 'حجم و بزرگی متون'، 'تکرار واژه‌ها'، 'نسبت نوع‌واژه به نمونه‌واژه' و 'پراکندگی توزیعی واژه‌ها' تعریف شود. این موارد به‌عنوان شاخص‌هایی در نظر گرفته شدند که به‌نظر می‌رسد حداقل به‌لحاظ کمی مرتفع کننده نیازهای واژگانی زبان‌آموزان باشند. سپس محتوای واژگانی کتاب‌ها با توجه به هریک از مؤلفه‌های فوق و با به‌کارگیری فنون و روش‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای به‌طور جداگانه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج و یافته‌های این تحلیل‌ها نشان داد که ۱) محتوای واژگانی کتاب‌ها کم‌تر از ۵۰ درصد واژه‌های پُربسامد زبان فارسی را پوشش می‌دهد، ۲) با توجه به حجم و بزرگی متون ارائه شده در کتاب‌ها حتی نمی‌توان از به‌خاطر سپرده شدن ۲۰۰۰ واژه پُربسامد اول زبان فارسی توسط زبان‌آموزان مطمئن شد، ۳) صرفاً ۱۹۳ واژه (کم‌تر از ۳/۸۶ درصد) از ۵۰۰۰ واژه پُربسامد زبان فارسی، معیار حداقل تکرار لازم برای به‌خاطر سپاری واژه‌ها (نیشن، ۲۰۱۴) را رعایت کرده‌اند، ۴) از نظر نسبت نوع‌واژه به نمونه واژه، صفارمقدم (۱۳۸۶) با احتساب ۰/۰۹ بهتر از دیگر کتاب‌ها عمل کرده است، ۵) وضعیت پراکندگی توزیعی واژه‌های 'بود' و 'نوشت' در کتاب‌ها نشان داد که این واژه‌ها در صفارمقدم (۱۳۸۶) از توزیع یک‌دست‌تری در متن کتاب برخوردارند. به‌هرحال، نتایج تحلیل‌های پیکره‌ای نشان داد که لازم است محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان با توجه به ۵ مؤلفه بالا به‌طور جدی مورد بازنگری قرار گیرد. معنی‌آموزی، محور پرسش دوم پژوهش بود. تلاش شد این موضوع که به‌نوعی می‌توان گفت ناظر بر بررسی کیفی آموزش واژگان است، در چارچوب زبان‌شناسی شناختی و البته با به‌کارگیری روش‌های پیکره‌ای، در محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور، سه مفهوم 'مقولات شعاعی'، 'تعبیر و صورت‌بندی' و 'استعاره'، به‌عنوان مهم‌ترین مفاهیم زبان‌شناسی شناختی که قابل کاربست در محتوای آموزشی هستند، در نظر گرفته شد. سپس با توجه به موضوع پژوهش، داده‌های گردآوری شده از محتوای آموزشی موجود بر اساس این سه مفهوم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. به این ترتیب که میزان توجه کتاب‌ها به هر یک از این مفاهیم برای آموزش برخی از واژه‌های مورد توجه زبان‌شناسان شناختی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج و یافته‌های به‌دست آمده نشان داد که این مفاهیم به‌همان صورتی که در زبان فارسی طبیعی مبنای یادگیری واژه‌ها قرار می‌گیرند، در کتاب‌های مورد بررسی ارائه نشده‌اند. بنابراین مشخص شد که از این نظر نیز محتوای آموزشی موجود با زبان فارسی طبیعی تفاوت معنی‌داری دارد و نیازمند بازنگری جدی است.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، رویکرد پیکره‌ای - شناختی، آموزش واژگان.

۱	۱- فصل اول: کلیات	۱
۲	۱-۱ مقدمه	۲
۴	۲-۱ تعریف مسأله	۴
۵	۳-۱ گستره پژوهش	۵
۵	۱-۳-۱ قلمرو مکانی:	۵
۵	۲-۳-۱ قلمرو زمانی:	۵
۵	۳-۳-۱ قلمرو موضوعی:	۵
۶	۴-۱ اهمیت و ضرورت انجام پژوهش	۶
۶	۵-۱ هدف‌های پژوهش	۶
۷	۶-۱ پرسش‌های پژوهش	۷
۷	۷-۱ فرضیه‌ها	۷
۸	۸-۱ روش‌شناسی	۸
۸	۱-۸-۱ روش انجام پژوهش	۸
۹	۲-۸-۱ روش گردآوری داده‌ها	۹
۱۰	۳-۸-۱ فنون و روش تحلیل داده‌ها	۱۰
۱۱	۹-۱ مفاهیم بنیادی	۱۱
۱۱	۱-۹-۱ پیکره زبانی	۱۱
۱۳	۲-۹-۱ زبان‌شناسی پیکره‌ای	۱۳
۱۳	۳-۹-۱ مقولات شعاعی	۱۳
۱۴	۴-۹-۱ تعبیر و صورت‌بندی	۱۴
۱۴	۵-۹-۱ استعاره و مجاز	۱۴
۱۷	۲- فصل دوم: پیشینه پژوهش	۱۷
۱۸	۱-۲ مقدمه	۱۸
۱۹	۲-۲ آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان	۱۹
۲۰	۳-۲ زبان‌شناسی پیکره‌ای و آموزش زبان	۲۰
۲۴	۱-۳-۲ پیکره‌ها و انگلیسی برای اهداف خاص	۲۴
۲۵	۲-۳-۲ پیکره‌های زبان آموز و مواد آموزشی دارای اطلاع پیکره‌ای	۲۵
۲۷	۳-۳-۲ پیکره‌های چندوجهی: ابزارهای پیکره‌ای و فناوری پردازش زبان	۲۷

۲۷ ۴-۳-۲ زبان شناسی پیکره‌ای، معنی‌شناسی شناختی و آموزش زبان فارسی
۲۹ ۴-۲ زبان شناسی شناختی و آموزش زبان
۳۲ ۵-۲ تحلیل محتوای کتاب‌های درسی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان
۳۵ ۶-۲ بررسی‌های انجام شده در حوزه آموزش واژگان
۳۹ ۳- فصل سوم: مباحث نظری و روش‌شناسی
۴۰ ۱-۳-۱ مقدمه
۴۱ ۲-۳-۲ مشکلات زبان‌شناسی صورت‌نگرا و نقش‌نگرا در آموزش زبان
۵۱ ۳-۳-۳ زبان‌شناسی شناختی و آموزش زبان
۶۱ ۱-۳-۳ تنی‌شدگی
۶۳ ۲-۳-۳ انگیزش زبانی
۶۴ ۳-۳-۳ دانش دایره‌المعارفی
۶۷ ۴-۳ زبان‌شناسی پیکره‌ای و آموزش زبان
۶۹ ۵-۳ مبانی نظری پژوهش: رویکرد پیکره‌ای - شناختی
۷۰ ۱-۵-۳ مبانی نظری و روش‌شناسی بررسی‌های پیکره‌ای
۷۶ ۲-۵-۳ مبانی نظری و روش‌شناسی بررسی‌های پیکره‌ای - شناختی
۷۹ ۴- فصل چهارم: تحلیل داده‌ها
۸۰ ۱-۴ مقدمه
۸۰ ۲-۴ گردآوری و توصیف داده‌ها
۸۱ ۱-۲-۴ طراحی و ایجاد پیکره مبنا (پیکره‌ای برگزیده و مبتنی بر پایگاه داده‌های زبان فارسی)
۸۶ ۲-۲-۴ ایجاد پیکره زبان‌آموزی
۹۲ ۳-۴ ابزارهای پژوهش
۹۲ ۱-۳-۴ ابزارهای پایگاه داده‌های زبان فارسی
۹۳ ۲-۳-۴ نرم‌افزار تحلیل واژگانی ورداسمیت
۹۳ ۳-۳-۴ نرم‌افزار صفحه‌گسترده‌ها (اکسل)
۹۳ ۴-۴ تحلیل داده‌ها
۹۴ ۱-۴-۴ تحلیل‌های پیکره‌ای
۹۵ ۱-۱-۴-۴ مقایسه واژگانی کتاب‌های مورد بررسی و پیکره زبان‌آموزی با پیکره مبنا
۱۰۱ ۲-۱-۴-۴ تحلیل حجم و بزرگی پیکره و همبستگی آن با واژه‌آموزی ...
۱۰۳ ۳-۱-۴-۴ میزان و تعداد نمونه‌واژه‌های لازم در محتوای آموزشی
۱۰۷ ۴-۱-۴-۴ نسبت نوع‌واژه به نمونه‌واژه
۱۱۳ ۵-۱-۴-۴ تحلیل پراکندگی توزیعی واژه‌ها

۱۲۳ ۴-۱-۶ جمع‌بندی تحلیل‌های پیکره‌ای
۱۲۳ ۴-۲-۲ تحلیل‌های پیکره‌ای - شناختی
۱۲۴ ۴-۲-۱ تحلیل پیکره‌ای - شناختی مبتنی بر مقولات شعاعی
۱۳۷ ۴-۲-۲ تحلیل‌های پیکره‌ای - شناختی مبتنی بر تعبیر و صورت‌بندی
۱۴۴ ۴-۲-۳ تحلیل‌های پیکره‌ای - شناختی مبتنی بر استعاره‌ها
۱۵۶ ۴-۲-۵ جمع‌بندی یافته‌های تحلیل‌های پیکره‌ای - شناختی
۱۵۷ ۵- فصل پنجم: نتیجه‌گیری و دستاوردهای پژوهش
۱۵۸ ۵-۱-۱ مقدمه
۱۵۸ ۵-۲-۱ بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش
۱۵۸ ۵-۲-۱-۱ پرسش و فرضیه اول پژوهش
۱۵۸ ۵-۲-۱-۲ پرسش و فرضیه فرعی ۱ از پرسش و فرضیه اول
۱۶۰ ۵-۲-۱-۳ پرسش و فرضیه فرعی ۲ از پرسش و فرضیه اول
۱۶۲ ۵-۲-۱-۴ پرسش و فرضیه فرعی ۳ از پرسش و فرضیه اول
۱۶۳ ۵-۲-۱-۵ پرسش و فرضیه فرعی ۴ از پرسش و فرضیه اول
۱۶۵ ۵-۲-۱-۶ پرسش و فرضیه فرعی ۵ از پرسش و فرضیه اول
۱۶۷ ۵-۲-۲ بررسی پرسش و فرضیه دوم پژوهش
۱۶۷ ۵-۲-۲-۱ پرسش و فرضیه فرعی ۱ از پرسش و فرضیه دوم
۱۶۸ ۵-۲-۲-۲ پرسش و فرضیه فرعی ۲ از پرسش و فرضیه دوم
۱۶۹ ۵-۲-۲-۳ پرسش و فرضیه فرعی ۳ از پرسش و فرضیه دوم
۱۷۱ ۵-۳ چگونگی طراحی و ایجاد فهرست‌های واژگانی مناسب آموزش واژگان
۱۷۵ ۵-۴ یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش
۱۷۷ ۵-۵ زمینه‌های کاربردی استفاده از یافته‌های پژوهش
۱۷۸ ۵-۶ محدودیت‌های پژوهش
۱۷۹ ۵-۸ پیشنهادها
۱۸۱ ۶- کتاب‌شناسی
۱۸۲ ۶-۱ فهرست مأخذ
۱۸۲ ۶-۲ فهرست منابع فارسی
۱۸۶ ۶-۳ فهرست منابع غیرفارسی
۱۹۴ ۷- واژه‌نامه
۲۰۷ ۸- پیوست پژوهش (عناوین و نوع متون مختلف هر یک از قالب‌های متنی مندرج در پیکره مرجع/مبنا)
۲۰۹ چکیده انگلیسی

فهرست جدول‌ها

صفحه

عنوان

جدول ۱-۲	اطلاعات دانش زبانی (ذوالفقاری، ۱۳۸۴)	۳۴
جدول ۱-۴	میزان و درصد متون مختلف در پیکره متوازن	۸۳
جدول ۲-۴	نوع یا قالب متن‌های مندرج در پیکره مبنا	۸۵
جدول ۳-۴	آمار محتوای متنی فارسی بیاموزیم (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۷)	۹۱
جدول ۴-۴	آمار محتوای متنی آموزش زبان فارسی (رسولی، ۱۳۹۱)	۹۱
جدول ۵-۴	آمار محتوای متنی زبان فارسی (صفا مقدم، ۱۳۸۶)	۹۱
جدول ۶-۴	آمار محتوای متنی پیکره زبان آموزی (جهانگردی، ۱۳۹۴)	۹۱
جدول ۷-۴	آمار واژه‌های کتاب‌های مورد بررسی و پیکره زبان آموزی	۹۲
جدول ۸-۴	گروه‌بندی واژه‌های فهرست واژگانی پیکره مبنا	۹۶
جدول ۹-۴	میزان و درصد هم‌پوشانی واژگانی کتاب‌ها و پیکره زبان آموزی با پیکره مبنا	۹۸
جدول ۱۰-۴	میزان و درصد هم‌پوشانی واژگانی کتاب‌ها و پیکره زبان آموزی با پیکره مبنا (بدون احتساب سطوح یادگیری)	۹۹
جدول ۱۱-۴	حجم و بزرگی پیکره‌های زبانی مورد نیاز برای دستیابی به میانگین حداقل ۱۲ بار تکرار	۱۰۲
جدول ۱۲-۴	تعداد واژه‌های دارای بسامد ۱ تا ۱۲ در پیکره زبان آموزی	۱۰۴
جدول ۱۳-۴	سهم نمونه‌واژه‌های تک‌بسامدی و دوسامدی از کل نمونه‌واژه‌های پیکره زبان آموزی	۱۰۶
جدول ۱۴-۴	میزان نمونه‌واژه‌های متون خواندنی و ... برای ۱۲ بار مواجهه زبان آموزان با واژه‌های هدف	۱۰۸
جدول ۱۵-۴	میزان درون‌داد و زمان مورد نیاز برای یادگیری هر یک از واژه‌های ۹ سطح ۱۰۰۰ واژه‌ای	۱۰۹
جدول ۱۶-۴	نسبت نوع‌واژه‌ها به نمونه‌واژه‌ها در کتاب‌های مورد بررسی، پیکره زبان آموزی و پیکره مبنا	۱۱۱
جدول ۱۷-۴	نمونه‌هایی از فهرست واژگانی مبتنی بر پیکره کتاب ذوالفقاری و همکاران	۱۱۴
جدول ۱۸-۴	نمونه‌هایی از فهرست واژگانی مبتنی بر پیکره کتاب صفا مقدم	۱۱۴
جدول ۱۹-۴	نمونه‌هایی از فهرست واژگانی مبتنی بر پیکره کتاب رسولی	۱۱۵
جدول ۲۰-۴	نمونه‌هایی از فهرست واژگانی مبتنی بر پیکره زبان آموزی	۱۱۵
جدول ۲۱-۴	تعداد و درصد رخ‌دادهای مختلف حرف اضافه 'روی' در معانی مختلف آن در پیکره زبان آموزی	۱۳۳
جدول ۲۲-۴	تعداد و درصد کاربردهای اصطلاحی و غیراصطلاحی واژه 'خواب'	۱۴۳
جدول ۲۳-۴	نمونه‌هایی از استعاره‌های بینابانی شکل گرفته بر اساس اعضای بدن در انگلیسی، چینی و فارسی	۱۴۶
جدول ۲۴-۴	تعداد رخ‌داد یا کاربرد استعاری واژه 'دل' در هر یک از کتاب‌های مورد بررسی و پیکره زبان آموزی	۱۵۲
جدول ۲۵-۴	آمار هر یک از انواع استعاره در کتاب‌ها و پیکره زبان آموزی	۱۵۳
جدول ۲۶-۴	نگاشت‌های به‌کار گرفته شده از واژه 'دل' و تعداد دفعات تکرار این نگاشت‌ها در هر یک از کتاب‌ها	۱۵۵

فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

۶۷	نمودار ۱-۳: تأثیر رابطهٔ زبان‌شناسی پیکره‌ای و آموزش زبان بر یکدیگر	
۸۲	نمودار ۱-۴: مراحل طراحی و ایجاد پیکرهٔ زبانی متوازن	
۸۶	نمودار ۲-۴: مقایسهٔ ترکیب متنی و واژگانی و حجم هریک از متن‌های وارده شده در پیکرهٔ مبنا	
۸۷	نمودار ۳-۴: ترکیب زبانی پیکرهٔ انگلیسی آکسفورد	
۸۸	نمودار ۴-۴: مقایسهٔ تعداد واژه‌های کتاب‌ها و پیکرهٔ زبان‌آموزی با واژه‌های پایگاه داده‌های زبان فارسی	
۹۲	نمودار ۵-۴: مقایسهٔ تعداد واژه‌های هر یک از کتاب‌ها با یکدیگر و با کل پیکرهٔ زبان‌آموزی	
۹۹	نمودار ۶-۴: مقایسهٔ میزان همپوشانی هر یک از گروه‌های ۱۰۰۰ واژه‌ای کتاب‌ها و پیکرهٔ زبان‌آموزی با پیکرهٔ مبنا	
۱۰۰	نمودار ۷-۴: میزان همپوشانی کل واژه‌های کتاب‌های مورد بررسی و پیکرهٔ زبان‌آموزی با واژه‌های پیکرهٔ مبنا	
۱۰۵	نمودار ۸-۴: طیف بسامدنگار پیکرهٔ زبان‌آموزی	
۱۰۵	نمودار ۹-۴: سهم واژه‌های ۱ تا ۱۲ بسامدی از کل واژه‌های پیکرهٔ زبان‌آموزی	
۱۰۶	نمودار ۱۰-۴: طیف بسامدنگار واژه‌های پیکرهٔ زبان‌آموزی	
۱۰۷	نمودار ۱۱-۴: سهم نمونه‌واژه‌های تک‌بسامدی و دوسامدی از کل نمونه‌واژه‌های پیکرهٔ زبان‌آموزی	
۱۱۶	نمودار ۱۲-۴: نمودار نیم‌رخ رتبه/بسامد و نمودار طیف بسامدنگار پیکرهٔ زبانی براون	
۱۱۸	نمودار ۱۳-۴: ابرواژهٔ کلمهٔ 'آب' در پیکرهٔ زبان‌آموزی	
۱۱۹	نمودار ۱۴-۴: طرح پراکندگی توزیعی واژهٔ 'بود' در پیکرهٔ زبانی مبتنی بر کتاب صفارمقدم	
۱۲۰	نمودار ۱۵-۴: طرح پراکندگی توزیعی واژهٔ 'بود' در پیکرهٔ زبانی مبتنی بر کتاب ذوالفقاری و همکاران	
۱۲۱	نمودار ۱۶-۴: مقایسهٔ طرح پراکندگی توزیعی واژهٔ 'بود' در پیکره‌های زبانی مبتنی بر کتاب‌ها، پیکرهٔ زبانی و	
۱۲۱	نمودار ۱۷-۴: طرح پراکندگی توزیعی واژهٔ 'بود' در پیکره‌های زبانی تشکیل‌دهندهٔ پیکرهٔ مبنا	
۱۲۲	نمودار ۱۸-۴: مقایسهٔ طرح پراکندگی توزیعی واژهٔ 'نوشت' در پیکره‌های زبانی مبتنی بر کتاب‌ها	
۱۲۶	نمودار ۱۹-۴: شبکهٔ معنایی حرف اضافهٔ over (برگرفته از تیلور و ایوانس، ۲۰۰۴: ۲۷۴)	
۱۲۷	نمودار ۲۰-۴: صفحهٔ سرنمون حرف اضافهٔ over (برگرفته از تیلور و ایوانس، ۲۰۰۴: ۲۶۴)	
۱۲۸	نمودار ۲۱-۴: طرح‌وارهٔ تصویری حرف اضافهٔ روی، برای جمله‌ای نظیر 'گرچه از روی دیوار پرید' بدون استنتاج فرد	
۱۲۸	نمودار ۲۲-۴: طرح‌وارهٔ تصویری حرف اضافهٔ روی، برای جمله‌ای نظیر 'گرچه از روی دیوار پرید' با استنتاج فرد	
۱۲۹	نمودار ۲۳-۴: عامل مورد توجه (TR) از سمت چپ مانع به سمت راست آن منتقل شده است (بسط معنایی انتقال)	
۱۲۹	نمودار ۲۴-۴: بسط معنایی انتقال در حرف اضافهٔ over	
۱۲۹	نمودار ۲۵-۴: طرح‌وارهٔ تصویری معنی on the other side در حرف اضافهٔ over.	
۱۳۱	نمودار ۲۶-۴: طرح‌وارهٔ تصویری مفهوم انتزاعی نفوذ/اثر داشتن در حرف اضافهٔ روی	
۱۳۲	نمودار ۲۷-۴: فهرست واژه‌نمای 'روی'. (بر اساس پیکرهٔ زبان‌آموزی)	
۱۳۴	نمودار ۲۸-۴: تعداد رخ‌دادهای هر یک از معنی‌های 'روی' در پیکرهٔ زبان‌آموزی	
۱۳۵	نمودار ۲۹-۴: فهرست واژه‌نمای 'روی' در پیکرهٔ مبتنی بر کتاب ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷)	

- نمودار ۳۰-۴: فهرست واژه‌نمای 'روی' در پیکره مبتنی بر کتاب رسولی/جامعه‌الزهر (۱۳۹۱) ۱۳۵
- نمودار ۳۱-۴: فهرست واژه‌نمای 'روی' در پیکره مبتنی بر کتاب صفارمقدم (۱۳۸۶) ۱۳۶
- نمودار ۳۲-۴: تصویرهای مورد استفاده توسط لبو (۱۹۷۳) برای تعیین شرایط دلالت ۱۳۹
- نمودار ۳۳-۴: فهرست واژه‌نمای 'خواب' در پیکره زبان‌آموزی ۱۴۳
- نمودار ۳۴-۴: مقایسه هر یک از کاربردهای اصطلاحی واژه 'خواب' با یکدیگر ۱۴۴
- نمودار ۳۵-۴: کاربرد استعاری واژه 'دل' در کتاب ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷) ۱۵۰
- نمودار ۳۶-۴: نمونه‌هایی از کاربرد استعاری واژه 'دل' در کتاب رسولی (۱۳۹۱) ۱۵۱
- نمودار ۳۷-۴: کاربرد استعاری واژه 'دل' در کتاب صفارمقدم (۱۳۸۶) ۱۵۱
- نمودار ۳۸-۴: نمونه‌هایی از کاربرد استعاری واژه 'دل' در پیکره زبان‌آموزی ۱۵۲
- نمودار ۳۹-۴: تعداد یا سهم هر یک از انواع مختلف استعاره در کاربرد استعاری واژه 'دل' در محتوای آموزشی ۱۵۳
- نمودار ۴۰-۴: مقایسه نسبت هر یک از انواع استعاره در پیکره متن‌های برگزیده‌ای از پایگاه داده‌های زبان فارسی ۱۵۴
- نمودار ۴۱-۴: مقایسه نسبت به‌کارگیری هریک از نگاشت‌های واژه 'دل' در حوزه‌های مبدأ و ۱۵۵
- نمودار ۴۲-۴: پربسامدترین حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های هستی‌شناختی زبان فارسی (برگرفته از جولایی، ۱۳۹۲) ۱۵۶

فصل اوّل:

کلیّات

تاریخ مطالعات زبانی و یافته‌های حاصل از آن، در بسیاری از دوره‌های تاریخی به‌شدت با اهداف آموزش زبان گره خورده است، به‌طوری که این موضوع را می‌توان در اولین مطالعات زبانی تاریخ علم نیز مشاهده کرد. سورن (۱۹۹۶: ۶۴) می‌نویسد: «کاری که به‌دست اسکندرانیان صورت گرفت حکم نقطه‌ آغاز چیزی را دارد که ما امروزه به نام زبان‌شناسی از آن سخن می‌گوییم و اگر نظر ما درست است که کارهای اسکندرانیان را با تقاضای فراگیر برای آموزش زبان یونانی ربط می‌دهیم، در آن صورت باید بگوییم که زبان‌شناسی، در معنای دقیق کلمه، با زبان‌شناسی کاربردی^۱ یعنی با آموزش زبان یونانی به‌عنوان زبان خارجی شروع شد». سورن همچنین یکی از مهم‌ترین آثار دستوریان پورت‌رویال را لانسو (۱۶۴۴) می‌داند و از آن به‌عنوان کتاب دستور زبان آموزشی برای زبان لاتین یاد می‌کند (همان، ص. ۱۱۸) و چنانچه تاریخ زبان‌شناسی را بررسی کنیم این پیوند قوی و در عین حال دوجانبه بین زبان‌شناسی و آموزش زبان به‌روشنی قابل‌ملاحظه است. این به آن معنی است که بسیاری از یافته‌های به‌دست آمده در تکمیل نظریه زبانی حاصل مطالعاتی است که با هدف اثربخشی بیشتر برنامه‌های آموزش زبان انجام گرفته است. بنابراین، در بررسی‌هایی که با اهداف آموزش زبان انجام می‌گیرد می‌توان ضمن بهبودبخشی به برنامه‌های آموزشی، به یک نظریه زبانی دقیق‌تر نیز دست یافت و این مهم‌ترین هدفی است که در این پژوهش دنبال می‌شود. از سوی دیگر، می‌توان گفت درحال حاضر غیر از مردمانی که زبان مادریشان فارسی است، تنها عده کمی از مردم جهان با زبان فارسی آشنایی داشته و آن را مورد استفاده قرار می‌دهند، با وجود این کم نیستند کسانی که به‌دلیل پیشینه غنی فرهنگی، ادبی و تاریخی سرزمین‌ها و مردمان فارسی‌زبان علاقه‌مندند با زبان فارسی آشنا شده و آن را بیاموزند. از این‌رو، لازم است آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان مورد توجه خاص قرار بگیرد تا هم امکانات لازم برای این علاقه‌مندان تأمین شود و هم زمینه معرفی، ترویج و گسترش زبان فارسی در سطح جهانی فراهم گردد.

با یک بررسی اجمالی متوجه می‌شویم که از قبل مطالعات و بررسی‌های فراوانی درباره زبان فارسی و آموزش آن انجام گرفته است. در این میان تعداد معدودی از بررسی‌ها در چارچوب زبان‌شناسی شناختی انجام گرفته و یا با روش‌های پیکره‌ای به مطالعه زبان فارسی پرداخته‌اند و نتایج قابل تأملی را نیز دربرداشته‌اند، اما هیچ‌کدام از مطالعاتی که در این چارچوب‌ها انجام گرفته است، به‌دنبال آن نبوده‌اند که موضوع را با هدف آموزش زبان فارسی انجام بدهند. در این پژوهش به‌دنبال آن بودیم که با بررسی محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، ضمن دستیابی به یافته‌های تازه‌ای درباره زبان، بتوانیم نکته‌ها و یافته‌های اثربخشی را نیز برای بازتنظیم این متون و مواد آموزشی ارائه کنیم. برای این منظور، موضوع با استفاده از روش‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. به‌این ترتیب که با ایجاد چند پیکره زبانی ایجاد شده از محتوای کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، به بررسی و تحلیل زبان فارسی مورد استفاده در متون آموزشی اصلی‌ترین مراکز آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان پرداختیم. به این معنی که بر اساس متون آموزشی مورد استفاده در سه مرکز آموزشی بنیاد سعدی، جامعه‌الزهره و مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه

بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، چند پیکره زبانی، توسط این پژوهشگر طراحی و ایجاد شد و سپس با به‌کارگیری نرم‌افزارهایی که برای این شاخه تخصصی تهیه و معرفی شده‌اند، سعی شد پُربسامدترین واژه‌های به‌کار گرفته شده در این پیکره‌های آموزشی با یک پیکره برگزیده از زبان فارسی (پایگاه داده‌های زبان فارسی) که بتوان آن را نماینده واقعی زبان طبیعی فارسی دانست، مقایسه شود تا بتوان از نتایج حاصله در بازتنظیم متون آموزشی مورد نظر استفاده کرد.

علاوه بر این، یکی از مشکلات و چالش‌هایی که برای آموزش زبان در پیش روی زبان‌آموزان بوده و هست، تأمین پیکره‌های و متون زبانی کافی و مناسب آموزش زبان، به‌طور کلی برای دست‌اندرکاران آموزش زبان، و به‌طور خاص برای زبان‌آموزان است. در حال حاضر در کتاب‌های آموزش زبان، برای هر درس یک پیکره زبانی یا یک متن حداکثر چندسطری ارائه می‌شود که در آن تعدادی واژه و اصطلاح و همچنین ساخت زبانی برای آموزش در نظر گرفته شده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا توقع به‌خاطر سپاری^۱ و فراگیری دائمی این واژه‌ها، اصطلاحات و ساخت‌های زبانی از طریق همین یک پیکره زبانی محدود برای هر درس، و به‌ویژه در سطوح میانی و پیشرفته زبان‌آموزی، منطقی است؟ در آن دسته از تمرین‌های خواندن که با هدف واژه‌آموزی انجام می‌شود، لازم است چه حجم‌هایی از متون را در اختیار زبان‌آموزان قرار بدهند تا ضمن معرفی و ارائه همه واژه‌های مورد نظر، هر کدام از آنها به دفعات لازم در متن تکرار شوند و امکان به‌خاطر سپاری آنها فراهم گردد؟

زبان‌شناسی پیکره‌ای در این زمینه روش‌ها و ابزارهای دقیقی در اختیار دارد که از آنها برای ارائه فهرست واژه‌های ضروری در واژه‌آموزی، به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع این پژوهش استفاده خواهد شد. از سوی دیگر، تحلیل شناخت‌گرای^۲ محتوای متون و مواد آموزشی زبان فارسی نیز می‌تواند برای برنامه‌ریزان و مؤلفان حوزه‌های مختلف آموزش زبان و همچنین ارتقای مواد آموزشی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان - به‌ویژه در آموزش معانی واژه‌ها - ارائه‌کننده راهکارهایی اثربخش باشد. در اینجا این پرسش قابل طرح است که آیا در تهیه و تدوین متون آموزشی و به‌ویژه حوزه مورد نظر در پژوهش حاضر (یعنی واژه‌آموزی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان)، از یافته‌ها و آموزه‌های زبان‌شناسی شناختی استفاده شده است یا خیر؟ در این رابطه سعی شد که بررسی شود آیا مهم‌ترین مفاهیم و دستاوردهای زبان‌شناسی شناختی انعکاس مناسبی در محتوای آموزشی مورد استفاده در مراکز آموزشی داشته است؟ با توجه به آنچه تا کنون گفته شد می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر رویکردی پیکره‌ای - شناختی را در پیش گرفته است که حاصل بهره‌گیری از روش‌های پیکره‌ای و دیدگاه شناخت‌گرا در بررسی زبان می‌باشد.

همچنین سعی شد از مهم‌ترین امکانات موجود در ایران، نظیر پایگاه داده‌های زبان فارسی و مراکز رسمی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان نظیر مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بنیاد سعدی و مرکز آموزش جامعه‌الزها استفاده شود تا بتوان یک پیکره آموزشی ایجاد کرد که مناسب آموزش زبان فارسی باشد.

1. remembering
2. cognitivist analysis

۲-۱ تعریف مسأله:

با توجه به استقبال فراوان فارسی‌آموزانی که زبان مادریشان زبانی غیر از زبان فارسی می‌باشد، در سال‌های اخیر موضوع آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان در داخل کشور نیز مورد توجه فراوانی قرار گرفته است. استادانی که تجربه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان را دارند، با دشواری‌های آموزش زبان فارسی آشنا هستند و حس کرده‌اند که بخش فراوانی از این دشواری متوجه مشکلات مربوط به متون و مواد آموزشی موجود می‌باشد. این پژوهشگر نیز که در سال‌های اخیر، آموزش زبان فارسی به زبان‌آموزانی از کشورهای چین، سوریه، لبنان، سودان، یمن و عراق را در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) تجربه کرد، عملاً این نیاز را احساس کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد بتوان با استفاده از تازه‌ترین یافته‌های زبان‌شناسی و همچنین با به‌کارگیری شاخه‌ای روش‌شناختی و نوین نظیر زبان‌شناسی پیکره‌ای به اثربخشی متون آموزشی تدوین شده برای آموزش زبان فارسی پرداخت.

روشن است که بخشی از دشواری‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان به روش تدریس و شیوه‌های ارائه دروس مربوط می‌گردد، اما آیا محتوای آموزشی موجود از اثربخشی لازم برخوردار است؟ آیا در تهیه و تدوین این محتوای آموزشی از شاخه‌های نوین زبان‌شناسی یعنی زبان‌شناسی پیکره‌ای و رایانشی که با کاربردی‌ترین روش‌های خود افزایش‌دهنده سرعت و دقت تحلیل و همچنین تنظیم و تدوین دقیق و علمی متون و مواد آموزشی از طریق فناوری اطلاعات و ابزارهای آماری است، بهره لازم برده شده است؟ در حال حاضر، در مراکز آموزشی، تعدادی واژه و اصطلاح زبانی برای آموزش در سطوح مختلف زبان‌آموزی و یا پایه‌های مختلف تحصیلی ارائه می‌شود. این هدف‌گذاری بر حسب تجربه سال‌های قبل تدوین شده است که البته تجربه گران‌بهایی است و باید به آن ارج نهاده و از آن بهره فراوان برد. با وجود این، پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که جدای از تجربه، این تعداد واژه و اصطلاح بر اساس چه ملاک و معیاری انتخاب شده‌اند؟ آیا یادگیری معنی و دیکته واژه‌ها و اصطلاحات خاصی که در هر پایه تحصیلی برای آموزش در نظر گرفته شده‌اند، برای آن پایه ضروری است؟ اگر ادعا بر ضرورت آموزش آنهاست، معیار و ملاک این ضرورت چیست؟ آیا نمی‌توان واژه‌های بیشتری را به زبان‌آموزان آموخت؟ و یا برعکس آموزش این تعداد واژه برای آنان نمی‌تواند زیاد و دشوار باشد؟ از سوی دیگر، به لحاظ یادگیری و به‌خاطر سپاری این واژگان لازم است که برنامه‌ریزان درسی بر چه جنبه‌ها و روش‌هایی تأکید کنند و چه راهبردهایی را در تدوین متون آموزشی به کار بندند؟

این‌ها پرسش‌ها و مسائلی هستند که انگیزه اصلی پژوهشگر برای پرداختن به این پژوهش بود و برای اینکه امکان پرداختن به آنها فراهم شود، این پرسش‌ها در قالب سه پرسش علمی خلاصه و تنظیم شد. این سه پرسش در بخش ۱-۶ ارائه خواهد شد. پژوهشگر امیدوار است با به‌کارگیری روش‌های پیکره‌ای و نیز با کاربردی‌ترین روش‌شناختی بتواند به پاسخ‌ها و راهکارهای مناسبی برای این پرسش‌ها دست پیدا کند، چرا که به نظر می‌رسد کاربردی‌ترین روش‌های پیکره‌ای ملاک و معیاری علمی به دست بدهد برای اینکه بدانیم لازم است کدام واژه‌ها و چه تعداد از آنها را در هر یک از سطوح آموزشی و محتوای آموزشی و کتاب‌های درسی مربوط به آنها ارائه کنیم. همچنین به نظر می‌رسد که اتخاذ رویکرد شناختی در بررسی متون آموزشی موجود، به ما کمک

خواهد کرد تا نحوهٔ ارائه و آموزش این تعداد خاص از واژه‌ها را دریابیم، به گونه‌ای که یادگیری زبان خارجی بیشتر به یادگیری زبان اول نزدیک گردد.

۱-۳ گسترهٔ پژوهش (زمانی - مکانی - موضوعی):

۱-۳-۱ قلمرو زمانی:

این پژوهش از نظر زمانی به فارسی امروز محدود می‌گردد.

۱-۳-۲ قلمرو مکانی:

پژوهش حاضر به لحاظ مکانی به داخل ایران و آن دسته از مراکز داخل کشور که در حوزهٔ آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان‌ها فعالند، محدود می‌شود. لازم به ذکر است بسیاری از کتاب‌هایی که در داخل ایران و توسط زبان‌شناسان و پژوهشگران صاحب‌نام ایرانی تدوین یافته‌اند، در بسیاری از مراکز ایرانی خارج از کشور نظیر کنسول‌گری‌های ایرانی در سایر کشورهای جهان نیز تدریس می‌شوند. به هر حال، با توجه به اینکه این مراکز در سه شهر متفاوت از ایران پراکنده شده‌اند، می‌توان گفت که قلمرو مکانی این پژوهش کل ایران و مراکز آموزشی این حوزه را دربر می‌گیرد. در این رابطه اگر کل این مراکز را جامعهٔ آماری پژوهش در نظر بگیریم، محتوای آموزشی سه مرکز از سه شهر مختلف ایران (تهران، قزوین و قم) نمونه‌های انتخابی جامعهٔ آماری هستند.

۱-۳-۳ قلمرو موضوعی:

قلمرو موضوعی پژوهش به طور عام به حوزهٔ زبان‌شناسی، زبان‌شناسی پیکره‌ای، زبان‌شناسی شناختی و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و به طور خاص به حوزهٔ ساخت‌واژه یا صرف، یا به عبارت دقیق‌تر 'واژه‌آموزی'^۱ در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان محدود می‌گردد.

چنانچه بخواهیم توضیح بیشتری در این باره ارائه کنیم باید بگوییم که در این پژوهش، بر موضوع‌ها و مواردی متمرکز خواهیم شد که همگی ذیل عنوان 'رفتار کمی و کیفی واژه‌ها'، در متن‌ها و پیکره‌های زبانی قابل جمع‌بندی است. به این ترتیب می‌توان گفت که یکی از این موضوع‌های مهم پژوهش، محتوای واژگانی کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. موضوع مهم دیگری که به لحاظ اهمیت و سطح نیز کلان‌تر از موضوع قبلی است، رفتار واژه‌ها در پیکره‌های عظیم زبان فارسی، در اینجا رفتار واژه‌ها در متن‌هایی از پایگاه داده‌های زبان فارسی، به منظور تنظیم و تدوین فهرست واژه‌های ضروری در واژه‌آموزی به زبان فارسی است. به عبارت دیگر برای اینکه پژوهش به نتایج مشخص و روشنی بیانجامد، امکان انجام پژوهش در تمامی سطوح و حوزه‌های زبانی شامل سطوح واجی، صرفی، نحوی و معنایی وجود ندارد. بنابراین، پژوهشگر مجبور شد بررسی خود را صرفاً به یکی از حوزه‌های زبانی یعنی ساخت‌واژه یا صرف زبان فارسی و آموزش و یادگیری واژه‌های زبان فارسی محدود سازد. از طرفی به لحاظ دانش زبانی، قلمرو موضوعی پژوهش بیشتر معطوف به

1. teaching vocabulary

دانش‌زبانی دریافتی^۱ زبان‌آموزان خواهد بود. به این معنی که در این پژوهش بیش از هر چیز به 'درون‌داد' واژگانی مهارت خواندن^۲ در زبان‌آموزان پرداخته خواهد شد.

۴-۱ اهمیت و ضرورت انجام پژوهش:

از آنجا که هیچ‌کدام از مطالعاتی که تا کنون در حوزه ساخت‌واژه و آموزش واژگان زبان فارسی انجام گرفته‌اند، موضوع را در چارچوب روش‌های پیکره‌ای - شناختی انجام نداده‌اند، در این پژوهش با امید به دستیابی به افق‌هایی تازه در مطالعات زبانی، به دنبال آن هستیم که با بررسی محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، ضمن دستیابی به یافته‌های تازه‌ای درباره‌ی زبان فارسی، بتوانیم نکته‌ها و یافته‌های اثربخشی را نیز برای بازتنظیم این متون و مواد آموزشی ارائه کنیم. بنابراین، چنین هدفی به‌طور کلی تبیین‌کننده‌ی ضرورت انجام پژوهش است.

علاوه بر این، آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان از موضوع‌هایی است که در حال حاضر در دستور کار برخی از مراکز علمی و دانشگاهی کشور قرار گرفته است. در این زمینه دشواری‌های فراوانی وجود دارد که بخشی از آن به محتوای کتاب‌هایی مربوط می‌شود که در این مراکز مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که محتوای این کتاب‌ها بنا به دلایل زیر مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد:

۱. افزایش اثربخشی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان؛
۲. کاربردی یافته‌های ارائه شده در جدیدترین رویکردهای علمی مطرح شده در زبان‌شناسی و زبان‌آموزی، نظیر زبان‌شناسی شناختی و همچنین زبان‌شناسی پیکره‌ای در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان؛
۳. بهره‌گیری از ابزارها و نرم‌افزارهای فراهم شده به وسیله فناوری در ارتقای محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان؛
۴. چگونگی تنظیم فهرستی دقیق از واژه‌هایی که لازم است در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان برای آموزش هدف‌گذاری شوند.

۵-۱ هدف‌های پژوهش:

- اهداف زیر از مهم‌ترین اهدافی است که حصول به آنها در این پژوهش دنبال می‌شود:
۱. تشکیل یک پیکره زبانی متوازن و مناسب آموزش واژگان زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان؛
 ۲. بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای زبان‌شناسی پیکره‌ای برای بررسی وضعیت آموزش واژگان در محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان؛
 ۳. استفاده از رویکرد شناختی در بررسی وضعیت آموزش واژگان در محتوای مذکور؛
 ۴. دستیابی به چگونگی ارائه فهرستی از واژه‌های ضروری برای آموزش واژگان زبان فارسی.

۱-۶ پرسش‌های پژوهش:

الف - واژه‌های ارائه شده در محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، تا چه اندازه نیازهای واژگانی زبان‌آموزان را مرتفع می‌کند؟

۱- چه میزان از واژه‌های پُرسامدی که برطرف کننده نیاز واژگانی زبان‌آموزان هستند، در کتاب‌های مورد بررسی پوشش داده شده است؟

۲- وضعیت کتاب‌های مورد بررسی به لحاظ حجم و بزرگی متونی که ارائه کرده‌اند، چگونه است؟

۳- چه میزان از واژه‌های پُرسامد معرفی شده در کتاب‌های مورد بررسی، معیار حداقل تکرار لازم برای به‌خاطر سپاری واژه‌های پُرسامد را رعایت کرده‌اند؟

۴- به لحاظ نسبت نوع‌واژه به نمونه‌واژه، کتاب‌های مورد بررسی از چه وضعیتی برخوردارند؟

۵- کتاب‌های مورد بررسی، به لحاظ پراکندگی توزیعی واژه‌ها از چه وضعیتی برخوردارند؟

ب - مبنای معرفی واژه‌های کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، تا چه اندازه هماهنگ با سازوکارهای طبیعی یادگیری واژه‌ها از منظر زبان‌شناسی شناختی است؟

۱- مفهوم شناختی مقولات شعاعی^۱ تا چه اندازه در کتاب‌های مورد بررسی مبنای آموزش واژه‌های زبان فارسی قرار گرفته است؟

۲- مفهوم شناختی 'تعبیر و صورت‌بندی'^۲ تا چه اندازه در کتاب‌های مورد بررسی مبنای یادگیری واژه‌ها قرار گرفته است؟

۳- استعاره^۳ به‌عنوان محور و اساس اندیشه و ارتباط انسان در زبان‌شناسی شناختی، تا چه اندازه در کتاب‌های مورد بررسی مبنای آموزش واژه‌ها قرار گرفته است؟

۱-۷ فرضیه‌ها:

الف - واژه‌های ارائه شده در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، نیازهای واژگانی زبان‌آموزان را مرتفع نمی‌کند.

۱- کتاب‌های مورد بررسی واژه‌های پُرسامدی که برطرف کننده نیاز واژگانی زبان‌آموزان هستند، را پوشش نمی‌دهد.

۲- حجم و بزرگی متون ارائه شده در کتاب‌های مورد بررسی کمتر از آن است که از یادگیری و به‌خاطر سپاری واژه‌های پُرسامد زبان فارسی توسط فارسی‌آموزان مطمئن شد.

۳- اکثر واژه‌های پُرسامد معرفی شده در کتاب‌های مورد بررسی، معیار حداقل تکرار لازم برای به‌خاطر سپاری واژه‌های پُرسامد را رعایت نکرده‌اند.

1. radial categories
2. construal
3. metaphor

۴- وضعیت نسبت نوع‌واژه به نمونه‌واژه در کتاب‌های مورد بررسی، یک نسبت معقول و متناسب با واژه‌آموزی نیست.

۵- وضعیت پراکندگی توزیعی واژه‌های ارائه شده در کتاب‌های مورد بررسی مطلوب نیست.

ب - در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان واژه‌ها به‌نحوی معرفی نشده است که بتوان مبنای آموزش و یادگیری آنها را همان مفاهیمی دانست که در زبان‌شناسی شناختی مبنا و سازوکار طبیعی یادگیری واژه‌ها تلقی می‌شود.

۱- مفهوم شناختی 'مقولات شعاعی' در کتاب‌های مورد بررسی مبنای آموزش واژه‌های زبان فارسی قرار نگرفته است.

۲- مفهوم شناختی 'تعبیر و صورت‌بندی' در کتاب‌های مورد بررسی مبنای یادگیری واژه‌ها نمی‌باشد.

۳- استعاره به‌عنوان محور و اساس اندیشه و ارتباط انسان در زبان‌شناسی شناختی، در کتاب‌های مورد بررسی مبنای آموزش واژه‌ها قرار نگرفته است.

۸-۱ روش‌شناسی:

این بخش به سه بخش فرعی تقسیم می‌شود که عبارتند از روش انجام پژوهش، چگونگی گردآوری داده‌ها و فنون و روش تحلیل داده‌ها.

۱-۸-۱ روش انجام پژوهش:

به‌طور کلی می‌توان گفت که روش انجام این پژوهش روشی کیفی - توصیفی است که البته خود بر مبنای برخی شیوه‌ها و فنون کمی و آماری انجام گرفته است؛ به این معنا که تلاش شده است با بهره‌گیری از روش‌ها، فنون و ابزارهای زبان‌شناسی پیکره‌ای به تحلیل محتوای واژگانی کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان پردازیم.

شیوه تحلیل محتوای متون و مواد آموزشی مورد نظر این پژوهش با شیوه‌های پژوهشی رایج در تحلیل محتوای متون آموزشی متفاوت است، زیرا از آنجا که یکی از مهم‌ترین رویکردهای اتخاذ شده در این پژوهش، رویکرد زبان‌شناسی پیکره‌ای است لازم بود ابتدا بر اساس محتوای هر یک از کتاب‌های آموزشی زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (که انتخاب آنها بر اساس معیارهای مشخص شده در بخش ۱-۸-۳ یعنی فنون و ابزارهای گردآوری داده‌ها صورت گرفته است) یک پیکره زبانی برای هر کتاب ایجاد کرده، داده‌های لازم را از پیکره‌های ایجاد شده استخراج کنیم. نرم‌افزارهای مورد استفاده در این پژوهش، ارائه‌کننده فهرست‌های بسامدی^۱، واژه‌نما^۲، باهم‌آیی^۳ واژه‌ها و نمودارها و محاسبات آماری مربوط به توزیع و پراکندگی واژه‌ها در سطح متون است. هر کدام از این موارد می‌تواند معیار دقیقی برای تصمیم‌گیری درباره این مسأله فراهم آورد که چه واژه‌ها

1. frequency list
2. concordance list
3. collocation

و چه تعداد از آنها در هر یک از سطوح زبان‌آموزی و در چه زمان و بخش‌هایی از محتوای آموزشی مذکور، باید به زبان‌آموزان آموزش داده شود.

به این ترتیب، ابتدا نظریه‌های زبان‌شناسی مربوط به مطالعهٔ زبان و واژگان بررسی شد و نظریه یا رویکردهایی که مبنای نظری و روش‌شناختی لازم برای انجام پژوهش را فراهم می‌آورد، شناسایی شد تا بتوان با بهره‌گیری از آرا و روش‌های آنان نسبت به تحلیل محتوای کتاب‌های مورد بررسی اقدام کرد. سپس تلاش شد فهرست واژگانی - بسامدی^۱ هر یک از کتاب‌های مورد بررسی، بر اساس پیکره‌های زبانی فوق تنظیم شود و این فهرست‌ها با فهرست دیگری که خود آن بر اساس یکی از بزرگ‌ترین پیکره‌های زبان فارسی، یعنی پایگاه داده‌های زبان فارسی تنظیم شد، مقایسه شود تا میزان هم‌پوشانی واژگانی آنها مشخص شود. همچنین با استفاده از جدیدترین شیوه‌های بررسی توزیعی واژگان در سطح پیکره‌های زبانی، نسبت به مطالعهٔ رفتار توزیعی واژه‌های زبان فارسی در محتوای آموزشی مذکور اقدام شد.

از سوی دیگر از محتوای این کتاب‌ها فهرست 'مقولات شعاعی'، اصطلاحاتی که بر مبنای 'تعبیر و صورت‌بندی' فارسی‌زبانان از رویدادها و پدیده‌های جهان اطراف شکل گرفته‌اند و کاربردهای استعاری برخی از واژه‌های برگزیدهٔ زبان فارسی استخراج شد تا بتوانیم به بررسی چگونگی انعکاس یافتن این مفاهیم شناختی در محتوای آموزشی مورد نظر بپردازیم.

۱-۸-۲ روش گردآوری داده‌ها:

برای گردآوری داده‌ها سه عنوان از کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان که در سه مرکز آموزشی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بنیاد سعدی و جامعه‌الزهره کاربرد فراوانی دارند، انتخاب شد. لازم به ذکر است تعداد آثاری که برای آموزش زبان فارسی به‌نگارش درآمده است، فهرستی مشتمل بر حداقل ۱۵۰ عنوان کتاب است. بنابراین، باتوجه به اینکه بررسی تمامی این آثار ممکن نبود، معیارهای زیر را برای انتخاب این سه عنوان کتاب، به‌عنوان نمایندهٔ سایر کتاب‌های این حوزه به‌کار بسته شد:

- میزان کاربرد در مراکز آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان؛
- اخیر بودن آثار به‌لحاظ سال تدوین و نشر؛
- حجم کتاب و امکان در نظر گرفتن آنها و یا بخشی از آنها به‌عنوان سطحی متوسط در زبان‌آموزی؛
- و از همه مهم‌تر امکان تلقی آنها به‌عنوان نماینده و معرف محتوای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، حداقل در داخل ایران.

در نهایت باتوجه به ملاک‌های فوق، آثار زیر جهت بررسی و تحلیل محتوا برگزیده شد:

- صفارمقدم، احمد (۱۳۸۶)، *زبان فارسی: آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیر فارسی‌زبانان*. در ۴ مجلد به‌عنوان یکی از کتاب‌های اصلی مورد استفاده در بنیاد سعدی.
- رسولی، سیده فاطمه (۱۳۹۱)، *آموزش زبان فارسی*. در ۴ مجلد که در مجتمع آموزشی جامعه‌الزهره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- ذوالفقاری، حسن و همکاران (۱۳۸۷)، *فارسی بیاموزیم*. در ۳ مجلد که در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به‌عنوان کتاب اصلی استفاده می‌شود.^۱

سپس همان‌طور که در بخش ۱-۱-۱ فوق گفته شد، تلاش شد با رعایت معیارهای زبان‌شناسی پیکره‌ای، نسبت به طراحی و ایجاد یک پیکره زبانی رایانشی برای هر یک از کتاب‌های مورد بررسی و همچنین یک پیکره آموزشی، متشکل از پیکره‌های ایجاد شده برای همه کتاب‌های مورد بررسی اقدام گردد. آنگاه با استفاده از این پیکره‌های زبانی و نیز با به‌کارگیری جدیدترین نرم‌افزارهای تحلیل پیکره‌های زبانی (ر.ک. بخش ۴-۳) نسبت به ایجاد فهرست‌های واژگانی - بسامدی برای گردآوری داده‌های پژوهش اقدام شد. از سوی دیگر با استفاده از متون موجود در پایگاه داده‌های زبان فارسی^۲، یک پیکره زبانی 'متوازن'^۳ طراحی و ایجاد شد و به این ترتیب به داده‌های لازم برای ایجاد یک فهرست واژگانی - بسامدی از این پیکره زبانی متوازن - به‌عنوان مبنا و مرجع بررسی و مقایسه میزان همپوشانی هر یک از کتاب‌های مورد بررسی با این فهرست مبنا - دست پیدا کردیم.

۱-۳-۸ فنون و روش تحلیل داده‌ها:

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از شیوه‌های بررسی تطبیقی پیکره‌بنیاد استفاده شد. به این ترتیب که با بهره‌گیری از ابزارهای پیکره‌ای نسبت به تهیه فهرست‌های بسامدی و واژه‌نما در پیکره‌ای بر مبنای متن آثار مذکور در بخش ۱-۲-۲ فوق اقدام گردید. در این میان از ابزارها و امکانات موجود در پایگاه داده‌های زبان فارسی بیشترین میزان بهره‌برداری صورت گرفت. به عبارت دیگر، یک فهرست واژگانی بسامدی برای هر یک از پیکره‌های زبانی مذکور ایجاد شد و همه این فهرست‌ها با فهرست برگرفته شده از پیکره زبانی متوازن، به‌عنوان پیکره مبنا مورد مقایسه قرار گرفت. از این‌رو، ضمن اینکه هر یک از کتاب‌های مورد بررسی به‌لحاظ واژه‌آموزی با نماینده برگزیده‌ای از متون زبان فارسی مورد آزمون قرار گرفت، سعی شد با استفاده از این فهرست‌های واژگانی و تجارب حاصل از کار بر روی واژه‌های این فهرست‌ها و نیز با بهره‌گیری از گزارش‌های ارائه شده توسط سایر پژوهشگران در ارائه فهرست‌های واژگانی (به‌طور نمونه، نعمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰) نکته‌ها و راهبردهایی برای چگونگی تنظیم و ارائه فهرست واژه‌های ضروری در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان ارائه شود.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه این پژوهش در بررسی متون و مواد آموزشی مورد نظر، نگاهی شناختی را در پیش گرفته است، آثار و متون آموزشی مورد بررسی با توجه به اصول و آموزه‌های زبان‌شناسی شناختی نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. برای این منظور سعی شد نمونه‌هایی از آن دسته از واژه‌هایی که بیشتر مورد توجه زبان‌شناسی شناختی قرار دارد در محتوای کتاب‌ها مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، بر اساس مفاهیم شناختی 'مقولات شعاعی'، 'تعبیر و صورت‌بندی' و 'بسط استعاری' تمام مقولات شعاعی، اصطلاحات شکل گرفته بر اساس تعبیر و صورت‌بندی و کاربردهای استعاری این واژه‌های منتخب در محتوای آموزشی مورد

۱. فارسی بیاموزیم مجموعه‌ای ۵ جلدی است که ۲ جلد آخر آن برای فارسی‌آموزی در سطوح پیشرفته است. با توجه به اینکه هدف از بررسی واژه‌آموزی در پژوهش حاضر تا سطح متوسط می‌باشد، تصمیم گرفته شد صرفاً ۳ کتاب اول این مجموعه مورد بررسی قرار بگیرد.

2. www.pldb.ihcs.ac.ir

3. balanced corpus